

## بررسی رابطه انگیزه معلمان ابتدایی ناحیه ۱ شهرستان ارومیه با تربیت هنری دانش آموزان ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴

فرشید رستم زاده<sup>۱</sup>، میر نعمت غیبی<sup>۲</sup>، آیت محمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دکتری تخصصی مشاوره، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

<sup>۳</sup> دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

### چکیده

تربیت هنری یکی از کارکردهای مهم نظام آموزش و پرورش است که بیانگر پرورش قابلیت های زیبایی شناختی دانش آموزان به ویژه در مقطع ابتدایی می باشد. هدف این پژوهش بررسی انگیزه معلمان ابتدایی ناحیه ۱ شهرستان ارومیه در جهت تربیت هنری دانش آموزان این شهر است. پژوهش حاضر از نظر هدف و ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر فلسفه پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته (کمی-کیفی) و از نظر مسیر اجرا و گردآوری و تحلیل داده ها از نوع تحقیقات توصیفی ماتریس همبستگی می باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه استاندارد هرمنس (۲۰۰۵) و پرسشنامه جهت گیری تربیت هنری معلمان (فیلانی ۲۰۰۳) است. برای تحلیل داده ها از نرم افزار اس پی اس اس ورژن ۲۸ استفاده شده است. نتایج احصاء شده از این پژوهش حاکی از آن بود که معلمان ابتدایی ناحیه ۱ به جنبه فرهنگ محوری دید ویژه ای دارند تربیت هنری دانش آموزان عنصر کلیدی در پیشرفت فردی و توسعه جامعه است. امید است که سیستم آموزش و پرورش به سوی دیسپلین و اصول و قوانینی برود که معلمان مجبور نشوند که آن را دور بزنند و از میانبر ها برای تربیت هنری دانش آموزان بهره بگیرند. اگر اصول و قوانین، همگام با هدف اصلی تربیت هنری و به دور از نادیده گرفتن آن باشند آنوقت معلمان نیز با شور و شوق بیشتری در این راه گام برمی دارند. آشنایی کودکان با اساس هنرها نه تنها به آنان یارای بیان اندیشه با شیوه های هنری را می دهد، بلکه قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای اطراف و همچنین دقت را در آنها تقویت می کند. سیر تکاملی هنر با فعالیت چوپای ذهن، رشد اندیشه های پر بار و ذوق هنری، دقت حافظه نظری، فعالیت فیزیکی و سنجش نظری، ارتباط نزدیک دارد. در مدارس می توان از طریق آموزش هنر به پرورش گرایشهای مطلوب تقویت ارزشها و فرهنگ های مورد نظر در دانش آموزان پرداخت و از آن به عنوان وسیله ای مؤثر در جهت آموزش مفاهیم و اصول رشد از جنبه های عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی افراد بهره مند شد.

**واژه های کلیدی:** انگیزه معلمان، تربیت هنری دانش آموزان، دانش آموز محوری

## مقدمه (بیان مسئله و اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق)

امروزه آموزش هنر یکی از دغدغه های ملی و جهانی نظام های آموزشی است و تربیت هنری از حوزه های اساسی است که شکوفا سازی ظرفیتهای هنری دانش آموزان از رسالتهای مهم آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین است (اوضاعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲) یکی از این حوزه های یادگیری که علیرغم اهمیت و جایگاهش در جریان رشد دانش آموزان و تأثیر آن در به فعالیت رساندن استعدادهای خدادادی آنها، دیرزمانی است که مورد غفلت قرار گرفته است، هنر و آموزش آن در مدارس است (تمنایی فر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸). هنر، ابزار مهمی را برای انسان فراهم می کند که از طریق آن یاد بگیرد، بفهمد و ارتباط برقرار کند. کودکان و نوجوانان از طریق ارتباط با هنر میتوانند به عنوان یک عضو فعال در دنیای پیرامون خود نقش آفرینی کنند (پاکمهر و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴). در این پژوهش به صورت موردی به انگیزه معلمان ناحیه ۱ در جهت تربیت هنری دانش آموزان ابتدایی پرداخته شده است. ناحیه ۱ همواره از لحاظ فرهنگی و هنری و ادبی در طول سالیان خاستگاه بزرگمردانی بود که نامشان بر زبان خاص و عام است. قطعاً وجود معلم یا معلمانی که به وجه هنری و زیبایی شناختی اهمیت داده است بر ادیبان و هنرمندان تأثیر گذاشته است و موجب نامی شدن این هنرمندان شده است. امروزه نیز جامعه بیش از هر موقع به وجود چنین معلمانی نیازمند است تا پرورش دهنده انسان های والا مقام باشند. بنابراین با عنایت به تبیین متغیرهای تحقیق و مطالعه پیشینه های مرتبط در پژوهش حاضر به بررسی رابطه انگیزه معلمان ابتدایی ناحیه ۱ شهرستان ارومیه با تربیت هنری دانش آموزان پرداخته شده است. که امید می رود نتایج احصاء شده از تحقیق پیش رو مورد استفاده سازمان آموزش و پرورش مخصوصاً معلمان ابتدایی شهرستان ارومیه قرار بگیرد.

## پیشینه تحقیق:

یک اثر هنری در هر عرصه ای، کنشی توأم با صبر است که این امر از تجربه زیبایی شناسی و لذت روحی نشأت میگیرد. ادراک تربیت هنری نیز با تأسی از زیبایی تربیت همراه با صبر، تجربه آموزش را به طور چشمگیری بهبود میبخشد (خندقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹). از نظر دیویی، هنرها باید نقطه اوج آرمانگرایی و منتهای درجه پالایش تمام کارهایی را که بر عهده دارند را ارائه دهند. دیویی میگوید که «هنر کیفیتی است که تجربه ای را فرا میگیرد. هنر، جز به اعتبار تعبیری ادبی، خود تجربه نیست. تجربه زیبایی شناختی هیچ گاه در کیفیت زیبایی شناختیاش خلاصه نمیشود. در این تجربه، مجموعه ای از مواد و معانی، که فی نفسه زیبایی شناختی نیستند، وقتی دم به حرکت ریتمدار منظمی به سوی اوج و کمال میگذارند، زیبایی شناختی میشوند (عابدینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶). جان دیویی در کتاب «تجربه و آموزش» نظامهای آموزشی را به عنوان محیط های بی روح و مغایر با روحیه تعلیم و تربیت توصیف میکند و بیان میکند که تربیت هنری است که میتواند از

ظرفیتهای متنوع ذهن انسان در بازنمایی معانی و حقایق ادراک شده پرده بردارد و به این نظام بی روح آموزشی نفسی دمیده و شور و نشاط به آن بدهد. (اوضاعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۳). صاحب نظران حوزه برنامه درسی، یکی از کارکردهای مهمی که به آموزش هنر نسبت میدهند، پرورش تفکر خالق در یادگیری است. اندیشمندان و پژوهشگران زیادی به تأثیر آموزش هنر در پرورش خلاقیت و یادگیری دانش آموزان تأکید کرده اند. (عابدینی و همکار، ۱۴۰۰: ۱۲۹). آموزش هنر، باعث علاقه مندی فراگیران میشود. علاقه مند نمودن فراگیران میتواند، پرورش قابلیت های زیبایی شناختی را به دنبال داشته باشد و تأثیرات قابل توجهی در رشد عاطفی و اخلاقی، ایجاد مهارت های حرکتی، پرورش قابلیت های گروهی و ارتباطی دانش آموزان بر جای گذارد. (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰). گاردنر تصریح می کند برخلاف برداشت برخی افراد از "نظریه ی هوش های چندگانه"، من به این معنا قائل نیستم که می توان یک گونه ی خاص از هوش را دارای جوهر هنری یا فاقد آن دانست، بلکه انواع و اقسام هوش به تنهایی یا در ترکیب با هوش های دیگر می توانند در حوزه های هنری به کار گرفته شوند. همچنین خلاقیت را همچون هوش نباید یک ویژگی عام، تک عاملی و تک ساختی قلمداد کرد. فرد را نمی توان به طور کلی و همه جانبه (در تمامی زمینه ها) خلاق یا غیر خلاق دانست نکته ی اصلی این است که خلاقیت وابسته به حوزه ای خاص است. (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴). در خصوص ضرورت تربیت هنری دیدگاه های مختلفی وجود دارد که از میان آنها می توان به دو دیدگاه ماهیت گرایان و ابزارگرایان اشاره کرد. ماهیت گرایان، تربیت هنری را منبع دانش، عقاید و ارزشها در مورد انسان و جهان در نظر میگیرند و آن را بخش اساسی از آموزش و پرورش شهروندی میدانند. اما ابزارگرایان، تربیت هنری را از منظر تأثیر و کمکی که هنر به حصول و تحقق سایر اهداف آموزشی میکند، مینگرند و گنجاندن هنر در برنامه درسی را به عنوان زمینه ای برای بروز احساسات و بیان خلاقانه دانش آموزان در نظر میگیرند (کیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹). از این منظر، هنر، دستیابی انسان را به دانش، بصیرت، ارزشها و معانی (برای مثال، درونبینی، تعالی روح و احساس ذوق) که در هیچ یک از حوزه های محتوایی دیگر برنامه درسی وجود ندارد، فراهم می آورد به همین دلیل است که هدف از آموزش هنر، خصوصاً در مدارس، هنرمند شدن دانش آموزان نیست، بلکه تقویت شناخت دانش آموز از پیرامون خویش است. (یوسفی، ۱۴۰۰: ۸۹).

**جهت گیری کودک محور:** بر اساس این جهت گیری، دانش آموزان به طور فطری فعال و جست جوگرند و برنامه درسی هنر بر «فعالیت خلاقانه دانش آموزان» تمرکز دارد. معلم باید شرایطی را فراهم آورد تا دانش آموزان قدرت تخیل و تفکر خود را طی فعالیت ها و ارائه محصول هنری ارتقا بخشند.

**جهت گیری دیسیپلین محور:** این جهت گیری مبتنی بر این فرض است که هنر دارای منزلت دیسیپلینی بوده و لذا باید به عنوان یک موضوع درسی مستقل در برنامه های درسی گنجانده شود. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که جریان رشد

کودک جریانی یک طرفه و منحصرأ از درون به بیرون نیست؛ بلکه به حرکت از بیرون به درون (یعنی رشد و یادگیری که منشأ و مبدأ بیرونی دارد) نیز باید همزمان توجه کرد. کسب مهارت های هنری در خلق و ادراک هنر ماهیتاً کار ظریف و دشواری است. یادگیری هنر باید با جریان رشد دانش آموزان همخوان باشد و تکالیف برنامه ای ( یادگیری) که برای دانش آموزان طراحی می شود، برای آنان معنادار و ادراک پذیر باشد.

**جهت گیری فرهنگی:** به اعتقاد طرفداران این جهت گیری، به تربیت هنری باید در کنار سنت های بومی توجه نمود و با استفاده از این جهت گیری یک برنامه درسی متناسب با شرایط بومی خود طراحی کرد. در تربیت هنری باید ارتقای فرهنگ جامعه از طریق برنامه درسی هنر فراهم گردد. میراث فرهنگی که گنجینه ای از دانش ها، مهارت ها، فنون، عواطف، زیبایی ها و هنرهاست، میتواند ما را آموزش دهد، الهام بخش اندیشه و کار هنریمان و آیندگانمان باشد و نیز ، به آنان در رسیدن به ایده ها و آثار جدید علمی و هنری کمک کند. لذا، فراگیران باید آثار هنری، تاریخی، آداب و رسوم و سنت های پسندیده کشور خود را در قالب آشنایی با میراث فرهنگی و هنری بشناسند. (خندقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷-۲۵). هدف این پژوهش بررسی تأثیر برنامه درسی آموزش هنر دیسیپلین محور بر تربیت هنری دانش آموزان دوره ابتدایی است. آموزش هنر شامل ایجاد و توسعه ی چهار معیار تولید، نقد، تاریخ هنری، و زیبایی شناسی در دانش آموزان است که نتایج حاصل از مانکوا نشان داد که بین پس آزمون تربیت هنری دانش آموزان در حوزه های تولید و نقد هنری در دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد. (هاتفی، ۱۳۹۷: ۹۹). هدف پژوهش حاضر هنجاریابی پرسشنامه جهت گیری برنامه درسی تربیت هنری برای معلمان دوره ابتدایی با روش پیمایشی بود. پس از برگردان نسخه اصلی پرسشنامه جهتگیری برنامه درسی تربیت هنری فیلانی (۲۰۰۳) به زبان فارسی و بازترجمه و اصلاح آن، فرم نهایی برای اجرا تهیه شد. آزمودنیها شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی ناحیه ۱ شهر ارومیه به تعداد ۱۳۲۵۹ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که با توجه به حجم نمونه در مطالعات تحلیل عاملی، تعداد ۳۶۰ معلم به روش نمونه گیری در دسترس در مطالعه شرکت کردند. روایی پرسشنامه مذکور از سه جنبه روایی محتوایی، سازه و همبستگی بین خرده مقیاسها مورد ارزیابی قرار گرفت. با توجه به یافته های تحقیق میتوان گفت که پرسشنامه جهت گیری برنامه درسی تربیت هنری دارای شاخصهای روانسنجی مطلوب است. (پاکمهر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰).

#### اهداف:

**کلی:** بررسی انگیزه معلمان پایه ابتدایی ناحیه ۱ شهرستان ارومیه برای تربیت هنری دانش آموزان ابتدایی در سال

تحصیلی ۱۴۰۳

### اختصاصی:

- بررسی انگیزه معلمان بر اساس جهتگیری کودک محوری در فرآیند یاددهی
- بررسی انگیزه معلمان بر اساس جهتگیری دیسیپلین محوری در فرآیند یاددهی
- بررسی انگیزه معلمان بر اساس جهتگیری فرهنگ محوری در فرآیند یاددهی

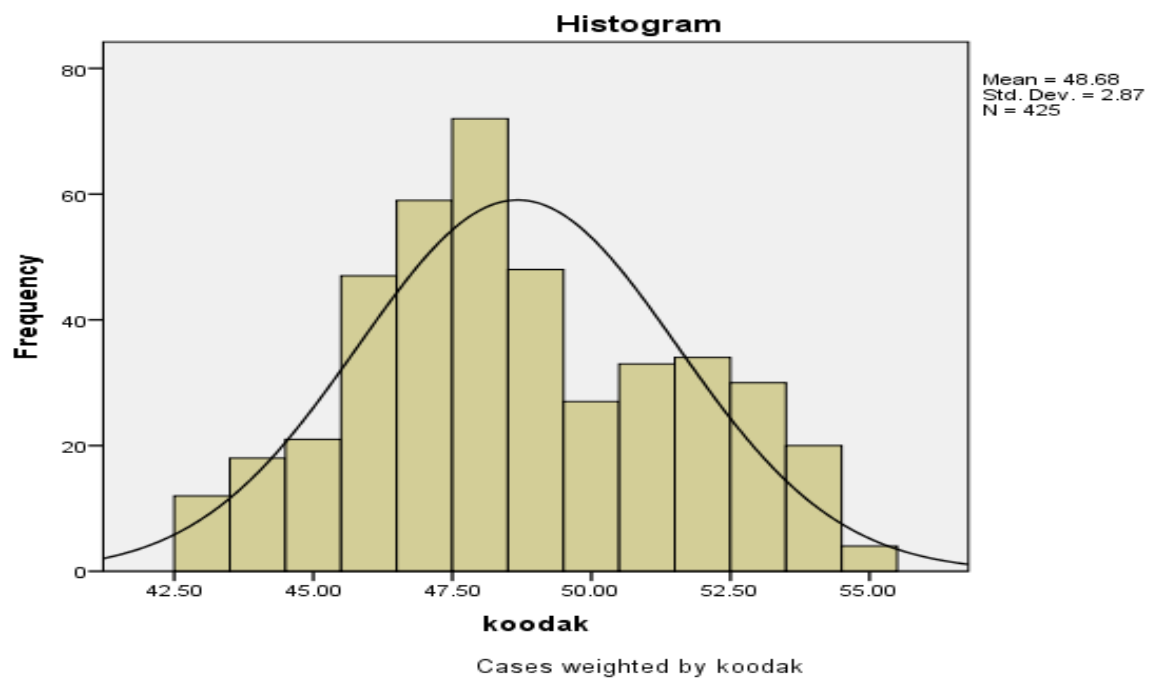
### روش پژوهش:

روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر هدف و ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر فلسفه پژوهش از نوع تحقیقات کمی و از نظر مسیر اجرا و روش های گردآوری و تحلیل داده ها از نوع توصیفی-ماتریس همبستگی است در پژوهش حاضر از لحاظ تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمیخته استفاده شده است. روش گردآوری داده ها به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه بوده است. برای گردآوری داده ها از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد. جامعه آماری ما شامل کلیه معلمان ابتدایی ناحیه (بود که در شهر ارومیه مشغول به خدمت بودند. طبق آمار به دست آمده از اداره آموزش و پرورش این شهرستان این جامعه آماری شامل ۷۴۵ نفر خانم و آقا می باشد. طبق جدول مورگان نمونه آماری این پژوهش میبایست ۲۴۵ نفر باشد اما به دلیل مانع های زیادی که در طی دو ماه از جانب های مختلف برای این پژوهش پیش آمد؛ نتوانستیم حجم نمونه آماری را از ۹۷ نفر بالاتر ببریم این در حالی است که به نیمی از نمونه آماری که می بایست برسانیم، نرسیده است و ممکن است قابلیت تعمیم پذیری آن بر جامعه آماری کاهش یابد. در بازه زمانی دو ماهه تعداد ۹۷ معلم با روش نمونه گیری در دسترس از طریق لینک طراحی شده به پرسشنامه مذکور پاسخ دادند. داده ها با استفاده از برنامه SPSS.28 به لحاظ کمی تجزیه و تحلیل شدند. لازم به ذکر است که پرسشنامه طرح شده توسط (فیلائی ۲۰۰۳) قبلاً توسط (حمیده پاک مهر و همکاران؛ ۱۴۰۰) ترجمه شده بود و توانستیم آن را به دست آوریم که کمک شایان توجه و بسیار مفیدی در به دست آوردن اطلاعات به ما کرد. پرسشنامه جهتگیری برنامه درسی تربیت هنری توسط فیلائی (۲۰۰۳) جهت ارزیابی جهتگیری های برنامه درسی معلمان دوره ابتدایی در کشور نیجریه طراحی شده و بیانگر اعتقادات معلمان در زمینه تربیت هنری است. پرسشنامه از حیث اجرایی، بسیار راحت است و اطلاعات مفیدی راجع به جهتگیری های تربیت هنری معلمان فراهم میسازد. پرسشنامه مذکور با ۳۹ گویه در طیف ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم: ۵، موافقم: ۴، نظری ندارم: ۳، مخالفم: ۲ و کاملاً مخالفم: ۱) جای میگیرد. لازم به ذکر است که این ابزار یک پرسشنامه چند بعدی در خصوص سنجش تربیت هنری است و سه جهتگیری را کودک محوری (۱۰، ۳۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۱۶، ۱۳، ۶، ۲، ۷، ۱۷، ۲۱)، دیسیپلینی (۸، ۳۳، ۱۰، ۲۲، ۳۴، ۹، ۳۰، ۱۴، ۳۱، ۱۵، ۱۱، ۲۵، ۳۸) و فرهنگ محوری (۲۶، ۳۵، ۳۹، ۱۲، ۳۶، ۲۴، ۱۹، ۲۳، ۳۲، ۲۷، ۴، ۵، ۳) در آموزش هنر مورد ارزیابی قرار میدهد. برای هر

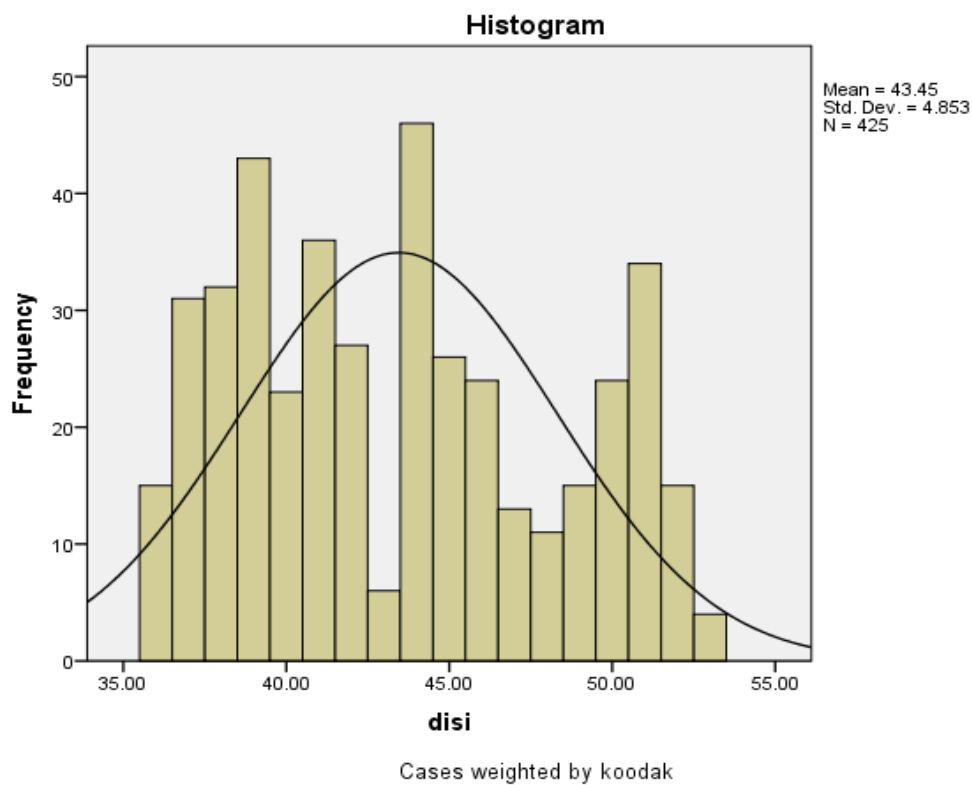
جهتگیری ۱۳ گویه در نظر گرفته شده و هر یک از این ۱۳ گویه در هر جهتگیری ۱۳ مؤلفه را که عبارتند از: هدف از تحصیل ، هدف برنامه ، محتوای برنامه درسی ، ساختار برنامه درسی ، انگیزش ، دیدگاه معلم ، نقش معلم نسبت به یادگیرنده ، ادراک معلم از دانش ، ادراک معلم از خلاقیت ، ادراک معلم از یادگیری ، روش ارزیابی ترجیحی ، استفاده از آثار هنری بزرگسالان و مورد سنجش قرار میدهد. فیلانی (۲۰۰۳) در طراحی این پرسشنامه با گروه وسیعی از متخصصان آموزشی، دانشجویان رشته هنر و معلمان هنر همکاری داشته و جهت بررسی روایی محتوایی از نظرات آنان و همچنین متخصصان و استادان دانشگاهی بهره برده است. روایی پرسشنامه مذکور از سه جنبه روایی محتوایی، سازه و همبستگی بین خرده مقیاسها تأیید شده است.

#### یافته ها:

لازم به توضیح است که بر اساس اطلاعات جمعیت شناختی از مجموع ۹۷ نفر شرکت کننده، ۵۶ نفر مرد (۵۷٪/۷۳) و ۴۱ نفر زن (۴۲٪/۲۷) بودند. از جهت تحصیلات، ۴۵ نفر دارای مدرک کارشناسی (۴۶٪/۳) ، ۲۳ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد (۲۳٪/۷) ، ۲ نفر دارای مدرک دکتری (۲٪/۰۲) و ۲۷ نفر دارای مدرک کاردانی (۲۷٪/۸) بودند. از لحاظ سابقه تدریس، ۱۷ نفر بالای ۳۰ سال ، ۱۹ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال ، ۲۹ نفر بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۳۲ نفر بین ۱ تا ۱۰ سال سابقه تدریس داشتند. از لحاظ پایه تحصیلی ، ۲۳ نفر پایه اول ابتدایی (۲۳٪/۷) ، ۱۱ نفر پایه دوم (۱۱٪/۷) ، ۵ نفر پایه سوم (۵٪/۸) ، ۸ نفر پایه چهارم (۸٪/۸) ، ۱۵ نفر پایه پنجم (۱۵٪/۸) ، ۳۵ نفر معلم پایه ششم ابتدایی (۳۶٪/۰۸) بودند.

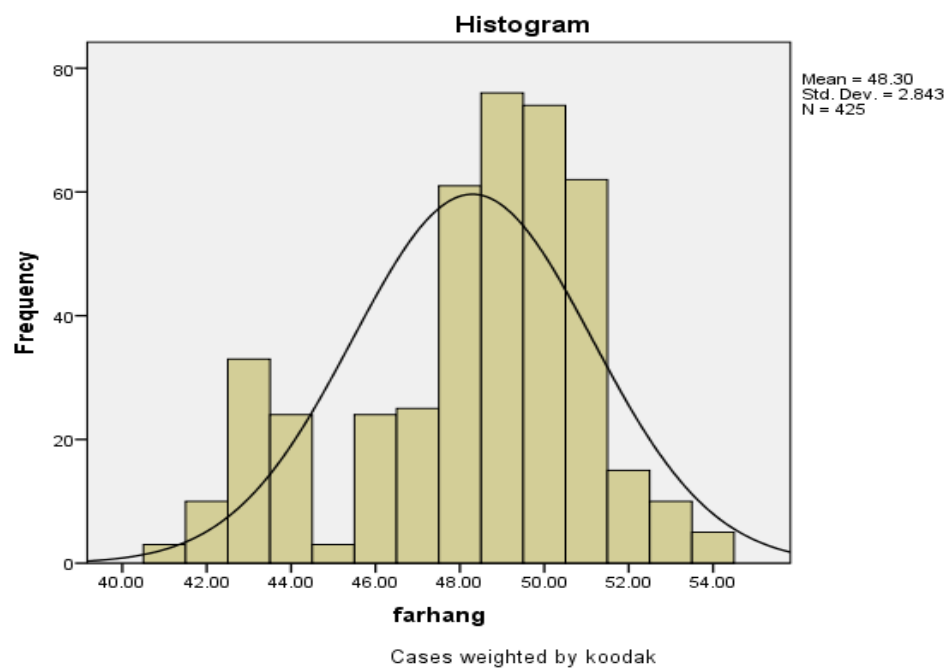


هیستوگرام کودک محوری ترسیم شده توسط spss (۲)



هیستوگرام دیسیپلین محوری ترسیم شده توسط spss (۳)

پراکندگی امتیاز پاسخ دهندگان بر اساس درصد ( کودک محوری ) ( ۵ )



هیستوگرام فرهنگ محوری ترسیم شده توسط spss ( ۴ )

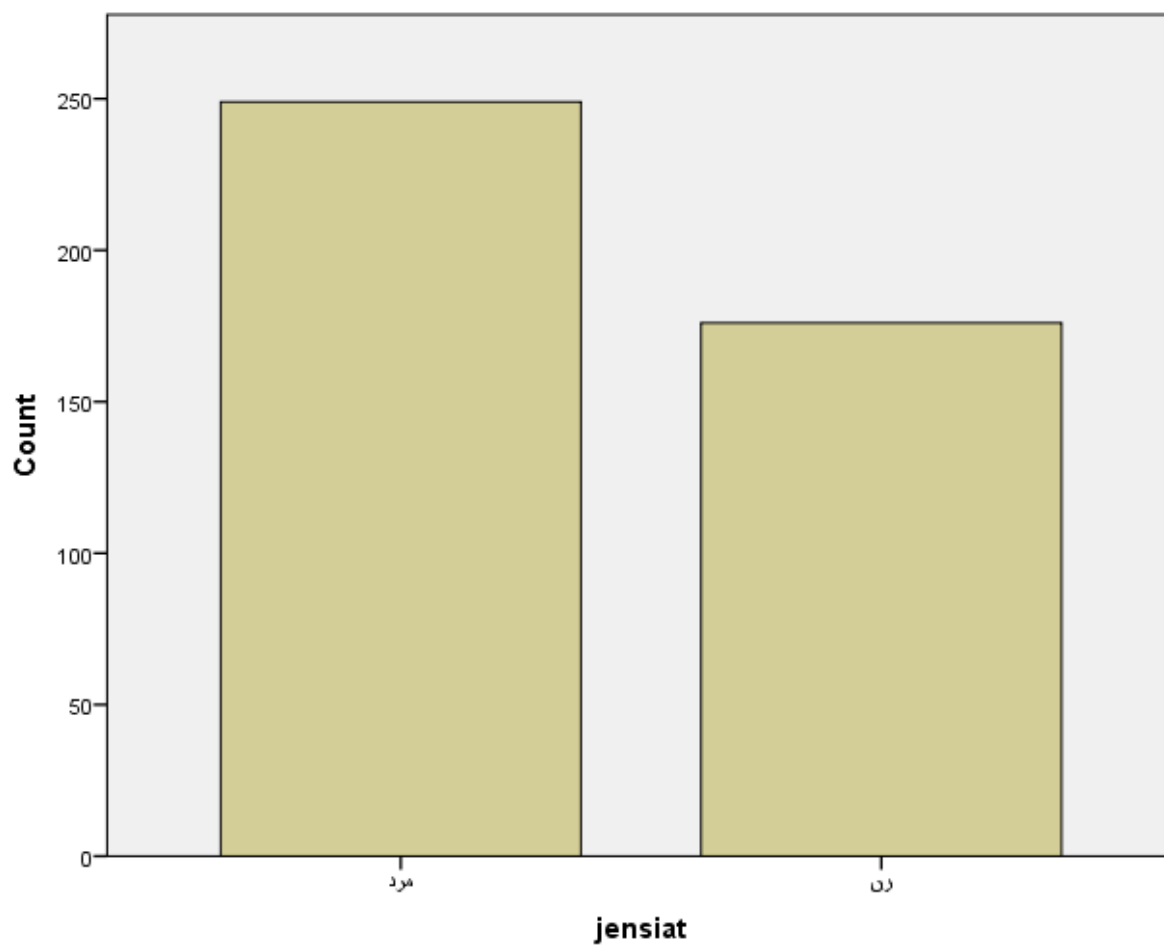
امتیاز سوالات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۴۳.۰۰	۱۲	۲.۸	۲.۸	۲.۸
۴۴.۰۰	۱۸	۴.۲	۴.۲	۷.۱
۴۵.۰۰	۲۱	۴.۹	۴.۹	۱۲.۰
۴۶.۰۰	۴۷	۱۱.۱	۱۱.۱	۲۳.۱
۴۷.۰۰	۵۹	۱۳.۹	۱۳.۹	۳۶.۹
۴۸.۰۰	۷۲	۱۶.۹	۱۶.۹	۵۳.۹
۴۹.۰۰	۴۸	۱۱.۳	۱۱.۳	۶۵.۲
۵۰.۰۰	۲۷	۶.۴	۶.۴	۷۱.۵
۵۱.۰۰	۳۳	۷.۸	۷.۸	۷۹.۳
۵۲.۰۰	۳۴	۸.۰	۸.۰	۸۷.۳
۵۳.۰۰	۳۰	۷.۱	۷.۱	۹۴.۴
۵۴.۰۰	۲۰	۴.۷	۴.۷	۹۹.۱
۵۵.۰۰	۴	.۹	.۹	۱۰۰.۰
مجموع	۴۲۵	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	

پراکندگی امتیاز پاسخ دهندگان بر اساس درصد (دیسپیلینی) (۶)

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	امتیاز سوالات
۱۰.۸	۷.۳	۷.۳	۳۱	۳۷.۰۰
۱۸.۴	۷.۵	۷.۵	۳۲	۳۸.۰۰
۲۸.۵	۱۰.۱	۱۰.۱	۴۳	۳۹.۰۰
۳۳.۹	۵.۴	۵.۴	۲۳	۴۰.۰۰
۴۲.۴	۸.۵	۸.۵	۳۶	۴۱.۰۰
۴۸.۷	۶.۴	۶.۴	۲۷	۴۲.۰۰
۵۰.۱	۱.۴	۱.۴	۶	۴۳.۰۰
۶۰.۹	۱۰.۸	۱۰.۸	۴۶	۴۴.۰۰
۶۷.۱	۶.۱	۶.۱	۲۶	۴۵.۰۰
۷۲.۷	۵.۶	۵.۶	۲۴	۴۶.۰۰
۷۵.۸	۳.۱	۳.۱	۱۳	۴۷.۰۰
۷۸.۴	۲.۶	۲.۶	۱۱	۴۸.۰۰
۸۱.۹	۳.۵	۳.۵	۱۵	۴۹.۰۰
۸۷.۵	۵.۶	۵.۶	۲۴	۵۰.۰۰
۹۵.۵	۸.۰	۸.۰	۳۴	۵۱.۰۰
۹۹.۱	۳.۵	۳.۵	۱۵	۵۲.۰۰
۱۰۰.۰	.۹	.۹	۴	۵۳.۰۰
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۴۲۵	مجموع

## پراکندگی امتیاز پاسخ دهندگان بر اساس درصد ( فرهنگ محوری) (۷)

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	امتیاز سوالات
۰.۷	۰.۷	۰.۷	۳	۴۱.۰۰
۳.۱	۲.۴	۲.۴	۱۰	۴۲.۰۰
۱۰.۸	۷.۸	۷.۸	۳۳	۴۳.۰۰
۱۶.۵	۵.۶	۵.۶	۲۴	۴۴.۰۰
۱۷.۲	۰.۷	۰.۷	۳	۴۵.۰۰
۲۲.۸	۵.۶	۵.۶	۲۴	۴۶.۰۰
۲۸.۷	۵.۹	۵.۹	۲۵	۴۷.۰۰
۴۳.۱	۱۴.۴	۱۴.۴	۶۱	۴۸.۰۰
۶۰.۹	۱۷.۹	۱۷.۹	۷۶	۴۹.۰۰
۷۸.۴	۱۷.۴	۱۷.۴	۷۴	۵۰.۰۰
۹۲.۹	۱۴.۶	۱۴.۶	۶۲	۵۱.۰۰
۹۶.۵	۳.۵	۳.۵	۱۵	۵۲.۰۰
۹۸.۸	۲.۴	۲.۴	۱۰	۵۳.۰۰
۱۰۰.۰	۱.۲	۱.۲	۵	۵۴.۰۰
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۴۲۵	مجموع



پراکندگی جواب ها بین آقایان و بانوان (۸)

## بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی انگیزه معلمان ابتدایی ناحیه ۱ در جهت تربیت هنری دانش آموزان این شهرستان انجام شد. هر چند بی شک این پژوهش از لحاظ آماری و از جهت حرفه ای بودن نقص هایی دارد اما با همین نتایج به دست آمده که تقریباً ۱۳ درصد از کل جامعه آماری را در برمیگرفت میتوان به سرنخی رسید. از لحاظ کودک محوری با توجه به یافته ها، معلمان در سطح بینابینی (نه زیاد و نه کم)، به این جنبه اهمیت میدهند (نمودار ۲). از لحاظ دیسیپلینی، پراکندگی زیادی دیده میشود (جدول شماره ۱ و نمودار ۳). از لحاظ فرهنگ - محوری معلمان ارزش بیشتر و انگیزه بیشتری دارند (جدول شماره ۱ و نمودار ۴). پراکندگی پاسخ ها بین امتیاز ۴۸ تا ۵۲ فراوانی بیشتری دارد و این به معنای اهمیت افراد به مقوله فرهنگی در تربیت هنری است. (درصد فراوانی در جدول شماره ۵ و ۶ و ۷). با بررسی پیشینه تحقیق به این نتیجه رسیدیم که تربیت هنری دانش آموزان عنصر کلیدی در پیشرفت فردی و توسعه جامعه است. (یوسفی، ۱۴۰۰) ارتقا کیفیت تربیت هنری دانش آموزان مورد غفلت واقع شده است و پژوهش جامع و کاملی در این زمینه صورت نگرفته است. به طور کلی می توان گفت که نظام آموزش و پرورش منبع اصلی و اساسی تربیت نیروی انسانی برای آینده کشور می باشند و بنابراین آموزش دوره ابتدایی باید از کیفیت لازم جهت تربیت دانش آموزان به منظور آماده سازی آنان برای ورود به جامعه را داشته باشد. (کیان، ۱۳۹۹)

نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که معلمان ابتدایی ناحیه ۱ به جنبه فرهنگ محوری دید ویژه ای دارند. هرچند نتایج پژوهش های دیگر بر حاکمیت دیسیپلین بر همه حوزه های آموزش حتی تربیت هنری خبر میدهد (خندقی، ۱۳۹۲)، اما نتایج ما این واقعیت را در ناحیه ۱ نشان داد که فرهنگ محوری بر جنبه تربیت هنری حاکم است. البته از لحاظ کودک محوری جای پیشرفت هست. بین بانوان و آقایان تفاوت چشمگیری در امتیازات دیده نمیشود و تفاوت معناداری وجود ندارد. (نمودار ۸)

امید است که سیستم آموزش و پرورش به سوی دیسیپلین و اصول و قوانینی برود که معلمان مجبور نشوند که آن را دور بزنند و از میانبر ها برای تربیت هنری دانش آموزان بهره بگیرند. اگر اصول و قوانین، همگام با هدف اصلی تربیت هنری و به دور از نادیده گرفتن آن باشند آنوقت معلمان نیز با شور و شوق بیشتری در این راه گام برمیدارند. آشنایی کودکان با اساس هنرها نه تنها به آنان یارای بیان اندیشه با شیوه های هنری را میدهد، بلکه قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای اطراف و همچنین دقت را در آنها تقویت می کند. سیر تکاملی هنر با فعالیت چوپای ذهن، رشد اندیشه های پر بار و ذوق هنری، دقت حافظه نظری، فعالیت فیزیکی و سنجش نظری، ارتباط نزدیک دارد. در مدارس میتوان از طریق آموزش هنر به پرورش گرایشهای مطلوب تقویت ارزشها و فرهنگهای مورد نظر در دانش آموزان پرداخت و از آن به عنوان وسیله ای مؤثر در جهت آموزش مفاهیم و اصول رشد از جنبه های عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی افراد بهره مند شد. (عابدینی، ۱۴۰۰)

## منابع و مآخذ:

- اوضاعی، نسرین؛ مهرمحمدی، محمود و غلام پور، میثم. (۱۳۹۹). تبیین تربیت هنری از دیدگاه دیویی و بررسی انتقادی آن از منظر آراء اندیشمندان. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران ۶(۴): ۲۴-۲۶
- تمنایی فر، محمدرضا؛ امینی، محمد و یزدانی کاشانی، زینب. (۱۳۹۸). تأملی بر کارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی. جلوه هنر. ۲(۸): ۵۸-۸۸
- پاکمهر، حمیده؛ عزیزی، معصومه و گراوند، هوشنگ. (۱۳۹۹). بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه جهتگیری برنامه درسی تربیت هنری معلمان دوره ابتدایی. پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی. ۴(۶): ۱۴۰-۱۵۴
- خندقی، مقصود و پاکمهر، حمیده. (۱۳۹۹). حاکمیت سنت دیسیپلین محوری بر جهت گیریهای برنامه درسی تربیت هنری معلمان هنر دوره راهنمایی تحصیلی: چالشها و آسیبها؛ رویکردهای نوین آموزشی. ۱۷(۸): ۹۵-۹۹
- رضایی، منیره. (۱۳۹۷). تربیت هنری در نظام آموزشی ایران. مطالعات فرهنگ-ارتباطات. ۲۲(۱۸): ۱۲-۲۱
- عابدینی، میمنت و رضایی، ملوکه. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس هنر و عشق به یادگیری. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران. ۶(۸): ۲۴-۲۸
- غفاری، خلیل؛ کاظم پور، امین و همدانی، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر برنامه درسی آموزش هنر دیسیپلین محور بر تربیت هنری دانش آموزان دوره ابتدایی. پژوهش در برنامه ریزی درسی. ۲(۵): ۲۵-۲۸
- فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی و یوسف، ماندانا. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیتهای هنری و مهارتهای فرآیندی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی. فصلنامه نوآوری های آموزشی ۵(۸): ۲۴-۴۴
- کیان، مرجان و کاظمی، اردشیر. (۱۳۹۹). شناسایی مولفه های موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ایران. جامعه شناسی سیاسی ایران. ۵(۱۲): ۴۴-۴۸
- هاشمی، نجمه؛ شمشیری، بابک و البرزی، محبوبه. (۱۴۰۱). آسیب شناسی تربیت هنری در نظام رسمی آموزش و پرورش ایران (از دیدگاه کارشناسان و متخصصان). فصلنامه دانشگاه فرهنگیان. ۲(۵): ۸۷-۸۹
- هاتفی، زهرا. (۱۳۹۷). آسیب شناسی تربیت هنری در دوران ابتدایی. همایش ملی آموزش ابتدایی ۷(۹): ۳۶-۵۶
- یوسفی، حسن. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت موجود تربیت هنری از دیدگاه معلمان ابتدایی. پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره. ۱۰(۱۴): ۵۲-۲۸